

نگرش استادان ایرانی به آینده روابط ایران و آمریکا در ۱۴۰۸

محمد آرین منش^۱ - احمد جوانشیری^۲ - محسن مدیرشانه‌چی^۳

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۸

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی روابط ایران و آمریکا از منظر اساتید ایرانی و در افق ۱۴۰۸ انجام شده است. روش مورد استفاده آینده‌پژوهی و شامل دو بخش مطالعاتی می‌باشد. بخش اول مطالعات کتابخانه‌ای و بخش دوم مطالعات میدانی مبتنی بر پرسشنامه بوده و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای میک مک و سناریو ویزارد انجام شده است. بر اساس تحلیل انجام شده توسط نرم‌افزار میک مک، بیست پیشران روابط دو کشور شناسایی شد که به لحاظ توصیف‌گرها حوزه نهادهای حکومتی در صدر و سپس کشورهای مزاحم روابط، نقش رهبران دو کشور، آینده نظام بین‌الملل، اتاق‌های فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار، توانمندی هسته‌ای و برنامه موشکی ایران، نقش جغرافیا و سابقه تاریخی روابط دو کشور قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج خروجی نرم‌افزار سناریو ویزارد نیز پنج طیف از سناریو شامل بسیار مطلوب، مطلوب، میانه، نامطلوب و بسیار نامطلوب شناسایی شد که شکل‌گیری سناریوی میانه در روابط دو کشور بسیار محتمل خواهد بود.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، ایران، آمریکا، پیشران، سناریو

-
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول)
m.aryanmanesh@gmail.com
 ۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران
adjavanshiri@yahoo.com
 ۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران
modir_shanechi@yahoo.com

مقدمه

مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها دروس و کتاب‌های مختلفی را آموزش می‌دهند که به تدریس دانش گذشته اختصاص یافته است. این گذشته در شاخه‌های مختلف علوم متفاوت است. در سال ۲۰۵۰ سرعت تولید دانش از سرعت تولید فناوری پیشی خواهد گرفت. بنابراین تکنولوژی ساخت محصولات جدید قبل از آنکه فرصت تولید و عرضه را پیدا کند منسوخ خواهد شد. این موضوع، بشر را با چالش‌های جدیدی مواجه خواهد ساخت، جایی که شاید نقطه تکنیکی^۱ برای بشر باشد، جایی که تمایزی بین انسان و ماشین، واقعیت فیزیکی و واقعیت مجازی وجود نخواهد داشت، جایی که تمامی تعابیر ما از علم از بین می‌رود و علم پدیده متفاوتی خواهد شد.

در این جهان سراپا تغییر، تاریخ به ندرت تکرار می‌شود و آینده نیز به ناچار با گذشته تفاوت خواهد داشت. آینده آدمیان را فرا می‌خواند تا با اندیشه‌ای خلاق آن را دریابند و با اقدام نوآورانه آن را پدید آورند و حتی چیزهایی را پیش‌بینی کنند که پیش از این در تاریخ بشر هرگز وجود نداشته است (بل، ۱۳۹۲: ۳۵/۱-۳۴).

شاید درک اهمیت آینده‌پژوهی در فناوری آسان‌تر از علوم اجتماعی باشد اما اگر تغییرات شتابناک نظام بین‌الملل طی سه دهه اخیر را بنگریم متوجه تاثیر شتاب فناوری بر حوزه علوم اجتماعی نیز خواهیم شد. کارکرد و وظیفه اولیه نظام بین‌الملل تامین و تضمین ثبات بین‌المللی در چارچوب محدودیت‌های مجاز، مقبول و معقول است. پیوندها و ارتباط بازیگران بین‌المللی و واحدهای سیاسی در اثر تعامل است که باعث شکل‌گیری نظام بین‌الملل می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴ الف: ۱۰۷/۱).

اگر اندکی به گذشته بنگریم در خواهیم یافت که از دهه ۱۳۳۰ شمسی، ایران به مهمترین و قوی‌ترین متحد استراتژیک امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شده بود. از همین رو امریکا با ابزارهای مختلف از جمله سیاست‌های تشویقی و در برخی اوقات اعمال فشار تلاش کرد موقعیت و جایگاه خود را در ایران تقویت نماید تا بتواند از آن در جهت منافع منطقه‌ای خود بهره گیرد. در سوی دیگر، حکومت پهلوی نیز وجود حامی قدرتمندی چون امریکا در کنار خود را برای مقابله با بحران‌های داخلی و آسیب‌پذیری‌های خارجی ضروری می‌دید. این

شرایط سبب شد که مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی دو کشور شدیداً به هم گره بخورد (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۲).

پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطف مهمی در روابط ایران و آمریکا محسوب می‌شود، انقلابی که سرشت و ماهیت آن در تقابل ماهوی با ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل قرار می‌گرفت. انقلابی که سبب شد تا کاخ سفید، متحد استراتژیک خود در منطقه را از دست دهد و علاوه بر آن، آماج شعارهای ضد امریکایی و ضد استکباری شود. جوهره سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، آمریکا را واداشت تا با هدف تثبیت موقعیت خود در منطقه و جهان در صدد فروپاشی جمهوری اسلامی باشد (جعفری موحد، ۱۳۹۴: ۱۰۷). اما شاید بتوان تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان را نقطه اوج تنش در روابط دو کشور به شمار آورد، چرا که از این مقطع حساس تاریخی شرایط تخصم، دشمنی و منازعه بر فضای مناسبات ایران و آمریکا حاکم شده است و با گذشت قریب به چهار دهه از انقلاب و قطع روابط آمریکا و ایران نشانه‌های قابل تاملی از ذوب شدن یخ‌های روابط دو کشور مشاهده نمی‌شود. حتی در برخی مقاطع تاریخی احتمال تحقق سناریوهای وخیمی چون برخورد نظامی نیز مطرح می‌شود.

در نگارش این پژوهش دو علت عمده پیش روی قرار داشت: اول آنکه یکی از علل مشکلات و بحران‌های کنونی جامعه ایرانی ضعف در پرداختن به آینده و ترسیم افق‌ها و ماموریت‌های بلندمدت در بدنه حاکمیت است. بحران محیط زیست، جمعیت، مشروعیت و بحران گسست نسل‌ها تنها نمونه‌هایی از عدم توجه کافی به حوزه آینده است. گذشته دیگر در دسترس نیست و تنها تجربه‌ها و خاطرات آن است که به جای مانده است، تجربه‌هایی که بهای سنگینی را به نسل حاضر و حتی نسل‌های آتی جامعه تحمیل خواهد کرد. زمان حال نیز به سرعت در حال گذر است و آینده، تنها فرصتی است که برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور باقی مانده است فرصتی که به سرعت در حال گذار است و لحظه‌ای درنگ می‌تواند بهای گزاف را بر حکومت و ملت تحمیل نماید. لذا در شرایط عدم قطعیت کنونی و مجال اندک آینده، تنها رویکردی که احتمال موفقیت و کامیابی دارد شناسایی مناظری از آینده و تلاش برای معماری آن است (بل، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴). دوم آنکه

شتاب تغییرات حاکم بر نظام بین‌المللی و چینش‌های اتحادهای منطقه‌ای، ایالات متحده را به نقطه عطفی در روابط خود با ایران رهنمون می‌سازد که شایسته توجه و دقت نظر بسیار است. علت انتخاب سال ۱۴۰۸ به عنوان مبنای پژوهش، آن است که در تحقیقات آینده‌پژوهی حداقل ده سال مدنظر قرار می‌گیرد. در ضمن ۱۴۰۸ حداقل دو دوره کامل ریاست جمهوری دو کشور را پوشش می‌دهد و با سال ۲۰۳۰ که مبنای بسیاری از پیش‌بینی‌های آینده است نیز نزدیکی دارد. در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای چهارده حوزه اثرگذار بر روابط دو کشور شناسایی شد که توسط ۷۸ شاخص، توصیف می‌شود. سپس با استفاده از روش پرسشنامه‌ای بر مبنای مطالعات پیش‌بینی و با کمک خبرگان، اثرگذاری و وابستگی این شاخص‌ها توسط نرم‌افزار میک مک ۱ مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس پیشران‌های کلیدی استخراج شده و با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد ۲ سناریوهای پیش روی مناسبات دو کشور استخراج گردید.

مرور پیشینه‌ها

گزارش راهبردی رومان موزالفسکی^۳ (۲۰۱۵) با عنوان «از انجماد در روابط تا مشارکت راهبردی: روابط ایران و امریکا در سال ۲۰۳۰ میلادی»^۴ توسط اندیشکده مطالعات راهبردی دانشکده جنگ ارتش ایالات متحده از جمله پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است. موزالفسکی سه دورنمای احتمالی مشارکت استراتژیک، همکاری جامع در پی یک معامله بزرگ و مشارکت استراتژیک فزاینده در روابط استراتژیک ایران و امریکا را ارائه می‌دهد که امکان وقوع آنها در پانزده سال آینده وجود دارد.

گزارش جسی^۵ (۲۰۱۱) با عنوان «پیش‌بینی آینده ایران، پیامدهای آن بر استراتژی و سیاست امریکا» نیز دوازده مساله شکل‌دهنده ارتباط بین ایران و امریکا شامل: سه مساله سیاسی، چهار مساله اقتصادی و جامعه مدنی و پنج مساله سیاست خارجی و امنیت ملی و پیش‌بینی آنکه هر مساله چقدر در سه تا پنج سال آینده احتمال وقوع خواهد داشت را مورد

1. Mic Mac
2. Scenario Wizard
3. Muzalevsky
4. From Frozen Ties to Strategic Engagement: US- Iranian Relationship in 2030
5. Jesse

بررسی قرار داده است.

محمدرضا چیت‌سازیان و نوذر شفیعی (۱۳۹۶) نیز در مقاله «چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و در قالب روش سناریونگاری به بررسی سناریوهای تعارض و رویارویی، رقابت و در نهایت دوستی دو کشور و برقراری یک نظام امنیت دسته‌جمعی می‌پردازند. ایشان تداوم دشمنی دو کشور را در آمیزه‌ای از رقابت و دشمنی محتمل‌ترین سناریو می‌دانند.

در مقاله سعید طالبی‌پور و حشمت‌اله فلاحت‌پیشه (۱۳۹۵) با عنوان «تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در ۲۰۲۵»، مطالعه روندهای کوتاه‌مدت با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و خبرگان به صورت مصاحبه‌های عمیق کیفی بوده به تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش دلفی پرداخته شده است. پیشران‌های تاثیرگذار در روابط دو کشور در نه حوزه مشخص شده و در نهایت سه دسته سناریو استخراج می‌گردد که سناریوهای محتمل، استراتژی تعامل در سطح منطقه و سیاست تعامل تجاری و اقتصادی با ایران است.

مقاله فرهاد درویشی سه‌تلائی و زهره همتی (۱۳۹۵) با عنوان «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران» نیز به وسیله جستار مفهومی در آرشیو خبری مواضع مسئولان دو کشور و با روش سناریوپردازی آینده روابط دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه این پژوهش نیروهای پیشران کلیدی در ده حوزه شناسایی شده است و بر آن اساس نسبت به تدوین سناریوها اقدام گردیده است چهار سناریویی که مورد بررسی قرار گرفته عبارتست از: براندازی جمهوری اسلامی ایران از طریق اقدام نظامی (براندازی از بیرون)، تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران (براندازی از درون)، تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران (رقابت و همکاری محدود)، تفاهم کامل سیاسی با جمهوری اسلامی (همکاری و اتحاد استراتژیک). در نهایت سناریوی سوم به عنوان سناریوی برتر مورد گزینش قرار می‌گیرد.

در مقاله حسین جعفری موحد (۱۳۹۴) با عنوان «رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا؛ امکان یا امتناع» از الگوی تحلیل روند به عنوان یکی از الگوهای رشته آینده‌پژوهی استفاده شده است که در آن روندهای موجود در روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی و متغیرهای مربوط به خط‌مشی جمهوری اسلامی در قبال آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت

نتیجه‌گیری می‌شود بهبود روابط دو کشور در آینده نزدیک امکان‌پذیر نخواهد بود و امکان بهبود روابط ایران و امریکا تنها در صورتی متصور است که دو کشور با در نظر گرفتن الزامات همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در راستای تامین منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود، از آرمان‌ها و راهبردهای عمدتاً ایدئولوژیک خود (که این عنصر در مورد ایران از شدت بیشتری برخوردار است) عقب‌نشینی کنند.

وجه تمایز این پژوهش با برخی از پژوهش‌های انجام شده که در این بخش به اجمال بیان گردید در آن است که از روش‌های کمی و کیفی به صورت همزمان استفاده شده و نرم‌افزارهای موجود در حوزه آینده‌پژوهی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند در حالی که در تحقیقات گذشته عمدتاً از روش‌های کیفی آینده‌پژوهی استفاده شده است.

متغیرهای تاثیرگذار

چهارده حوزه اثرگذار

حوزه تروریسم: اگرچه مساله تروریسم در جهان امروز به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات و چالش‌های جامعه جهانی مطرح است، اما در عین حال تعریف جامع و کاملی نیز از تروریسم وجود ندارد. به‌رغم ابهامات و پرسش‌های پیش روی تعریف تروریسم، با توجه به کنوانسیون سرکوب تامین مالی تروریسم، می‌توان عملی را تروریستی تلقی کرد که دارای سه ویژگی باشد: خشونت‌بار باشد به این معنا که موجب مرگ یا جراحت بدنی شدید انسان‌ها شود؛ ۲- با قصد و نیت سیاسی ارتکاب یافته باشد یعنی هدف از آن وادار کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به ارتکاب عملی یا خودداری از ارتکاب عملی یا تغییر یک سیاست یا رویه باشد؛ ۳- با نیت ایجاد رعب و وحشت در میان مردم ارتکاب یافته باشد (قبادی، سید فاطمی، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۵).

مساله تروریسم یکی از عناصر اصلی کشمکش بین ایران و امریکا در دوران بعد از انقلاب است و امریکا از ۲۹ دی ۱۳۶۲ ایران را به عنوان دولت حامی تروریسم طبقه‌بندی کرد که برای شبه نظامیان در خاورمیانه کمک‌های مادی، سیاسی و تدارکاتی فراهم می‌کند. از سوی دیگر ایران نیز در تلاش است تا شواهدی از سیاست امریکا را برملا کند که همین اتهامات

متوجه ایالات متحده شود (موسویان، ۱۳۹۳: ۴۰۵). از سه شاخص نوع تعریف دو کشور از تروریسم، شناسایی و حمایت از گروه‌های تروریستی و در نهایت چگونگی مبارزه با تروریسم جهت توصیف این حوزه در پژوهش استفاده شده است.

حوزه حقوق بشر: حقوق بشر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات بین‌المللی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها از مقام و منزلت انسانی تمام افراد و گروه‌ها صرفاً به دلیل اینکه انسانند حمایت می‌کند (ساداتی نژاد و ترکارانی، ۱۳۹۳: ۶۳). اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید ابتدا در حد سندی بین‌المللی و حاصل کار جمعی دولت‌ها بود اما با گذشت زمان این حقیقت عیان گشت که فراتر از جامعه دولت‌ها، جامعه‌ای جهانی وجود دارد که هر فرد انسانی عضو آن و از لحاظ حقوقی تابع آن است صرف نظر از آنکه در کجا زاده شده یا در کجا قرار دارد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۰۸).

بسیاری از تحلیلگران معتقدند یکی از مهم‌ترین زمینه‌های چالش برانگیز روابط ایران و آمریکا مساله حقوق بشر است. در حالی که آمریکا حقوق بشر و شاخص‌های آن را در یک نگاه لیبرالیستی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی بر مبنای قانون اساسی، اسلام سیاسی و گفتمان حاکم بر عقلانیت اسلامی، نگاه متفاوت از آنچه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر نامیده می‌شود، دارد (رستمی و غلامی حسن آبادی، ۱۳۹۵: ۲۲۱). سه شاخص نوع تعریف دو کشور از حقوق بشر، جایگاه حقوق بشر نسبت به حاکمیت و قوانین داخلی و در آخر چگونگی برخورد با موضوعات حقوق بشر، توصیف‌گرهای این شاخص می‌باشند.

حوزه توانمندی هسته‌ای و برنامه موشکی: اوج تقابل ایران و غرب بویژه آمریکا در قریب به دو دهه اخیر در برنامه هسته‌ای ایران بوده است. برنامه‌ای که نهایتاً و پس از چندین سال مذاکره و مناقشه، تلاش شد در قالب برنامه جامع اقدام مشترک در چارچوبی مشخص انجام پذیرد. از سوی دیگر تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران لغو و قطعنامه جدیدی جایگزین آن‌ها شود که ضمن تایید برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، برخی از محدودیت‌های خاص گذشته را در دوره زمانی نه چندان طولانی در حوزه‌های تسلیحاتی و

موشکی علیه ایران اعمال می‌کند. همچنین برجام به طیف وسیعی از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران پایان داد و تحریم‌های امریکا علیه ایران در بحث هسته‌ای نیز لغو یا متوقف شدند (شاپوری، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۶)

به‌رغم آنکه برنامه موشکی ایران با هدف بازدارندگی شکل گرفت اما طی قریب به دو دهه گذشته و با توسعه موشک‌های کوتاه‌برد، به سمت اهداف عملیاتی‌تر منطقه‌ای گام برداشته است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی این برنامه را به عنوان کلیدی‌ترین مولفه جبرانی محدودیت‌های ناشی از برجام توسعه داده است (نیاکویی و قنادی، ۱۳۹۶: ۲۴۹-۲۴۸). این حوزه توسط شاخص‌های حمله نظامی به ایران، برنامه‌های علمی آموزشی و اجرایی مرتبط با توانمندی هسته‌ای، نحوه برخورد کشورها با برجام، خروج هر یک از طرفین برجام، نحوه برخورد با برنامه موشکی و آینده برنامه موشکی ایران توصیف شده است.

حوزه تضادهای ایدئولوژیک: در حوزه گفتگویی و ایدئولوژیک بین دو کشنگر ایران و امریکا شاهد تقابل و تنازع جهان‌بینی هستیم. در تحلیل شاخص‌های تقابلی، ایران پرچمدار ایدئولوژی اسلامی برگرفته از آموزه‌های مذهب تشیع و امریکا پرچمدار لیبرال دموکراسی و سکولاریسم است (طالبی‌پور و فلاح‌پیشه، ۱۳۹۵: ۱۵).

از یک منظر دیگر، ماهیت قدرت سیاسی در امریکا بر اساس دفاع از نظام سرمایه‌داری، تولید ثروت ملی و رفاه اقتصادی بنا شده است و در نتیجه سیاست‌مداران معجری تحقق، حفظ و تداوم اهداف فوق هستند که برای یک دوره محدود انتخاب شده و فرصت دفاع از سیستم حکومتی خود را می‌یابند اما ماهیت قدرت سیاسی در ایران بر اساس عقیده است که مقاومت در برابر اسرائیل، دفاع از حقوق مسلمانان و نفی سیل برخی از این عقاید هستند. این عقاید می‌تواند به مصالح اقتصادی ایران لطمه وارد کند و روابط خارجی ایران با بسیاری از کشورها را تحت تاثیر قرار دهد (سریع‌القلم، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۱).

حوزه کشورهای مزاحم روابط: همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، ناگهان متحد اصلی اسرائیل در منطقه به دشمن شماره یک آن تبدیل شد و مخالفت با اسرائیل از اجزای اصلی هویت جمهوری اسلامی شد. از سوی دیگر یکی از پایه‌های اصلی سیاست خاورمیانه‌ای امریکا تامین امنیت و تضمین موجودیت اسرائیل است؛ بنابراین به باور بسیاری از

صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل خاورمیانه، در روابط ایران و آمریکا تمامی راه‌ها به اسرائیل ختم می‌شود و اسرائیل عامل اصلی افزایش تنش میان دو دولت است (موسوی‌فر، ۱۳۹۵: ۵۱۲-۵۱۱).

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن نظام سیاسی غیر همسو با منافع ایالات متحده، این کشور را به سوی تقویت بازیگران همسو در مقابل ساختار جدید تجدیدنظرطلب واداشت و در این میان عربستان سعودی به عنوان مهمترین هدف تهدید قدرت ایران مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر عربستان سعودی نیز ایران را به عنوان مهمترین رقیب منطقه‌ای خود می‌داند که می‌تواند بر آینده نفوذ منطقه‌ای عربستان اثرگذار باشد؛ بنابراین از شکاف میان ایران و ایالات متحده برای نزدیک شدن به آمریکا استفاده می‌کند (جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۸: ۴۹-۴۱).

سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران و آمریکا دارای رگه‌هایی از نقش‌های متضاد است. از یک سو در زمان تحریم‌های شدید بین‌المللی توانسته حجم بزرگی از بازار واردات و ذخایر مالی ایران را تامین نماید. از سوی دیگر ایفای نقش شهروندی خوب از سوی ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور، می‌تواند از یک سو ایالات متحده را راضی نگه داشته و از سوی دیگر در ائتلاف با قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای ایران را موازنه نماید (نیاکوئی و احمدی خوی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

حوزه اتاق‌های فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار: در این حوزه توصیفگرهای اتاق‌های فکر، لابی‌ها، نقش لابی‌ایپک و گروه‌های فشار و تندرو و روحانیت شیعه در ایران بررسی می‌شود. یکی از نهادهایی که تاثیر بسزایی در تداوم مناقشه ایران و آمریکا داشته است لابی‌ها و موسسات مطالعاتی در ایالات متحده و بویژه لابی اسرائیل است. لابی اسرائیل، ائتلاف نامنسجمی از افراد و گروه‌هایی است که تلاش می‌کنند سیاست خارجی آمریکا را به نحوی که در جهت منافع اسرائیل باشد، تحت تاثیر قرار دهند و علاوه بر ترغیب ایالات متحده به حمایت از اسرائیل که کم و بیش بی‌قید و شرط است، در شکل‌گیری سیاست آمریکا در مورد منازعه اسرال- فلسطین، عراق و تداوم رویارویی با ایران و سوریه نقش کلیدی بازی کنند (مرشایمر و والت، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۰).

در حوزه نقش عوامل غیر رسمی در سیاست خارجی ایران بویژه در نحوه تعامل با ایالات متحده به نقش گروه‌های فشار و روحانیت شیعه می‌توان اشاره کرد. گروه‌های فشار معتقدند هیچ کس حق ندارد جز در رقابت‌های از پیش تعیین شده چیزی بگوید، چیزی بنویسد و یا اقدامی انجام دهد. این گروه‌ها، حضور دیگران در عرصه‌ای که آن‌ها متعلق به خود می‌دانند را ولو در چارچوب قانون بر نمی‌تابند و مدافع انحصار قدرت هستند (ماهانامه آزما، ۱۳۷۸: ۸-۶). از سوی دیگر یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین احزاب سیاسی ایدئولوژیک جهان، سازمان روحانیت شیعه است که ناکامی امریکا در درک نقش روحانیت در جامعه ایران، ضعف مهمی برای تجزیه و تحلیل ایران است چرا که نقش قطعی و مسلم روحانیت در ایران موتور محرکه نهادهای سیاسی مقاومت در برابر فشارهای امریکا بوده است (موسویان، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۰).

حوزه نهادهای حکومتی دو کشور: در این بخش نقش قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و احزاب در ایران و نقش رئیس‌جمهور، هیات وزیران، نهادهای اجرایی، کنگره و احزاب در امریکا بررسی می‌شود. در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران اگرچه ریاست جمهوری، قوه مقننه و قضاییه و وزارت خارجه دارای نقش‌های پراهمیتی هستند اما شورای عالی امنیت ملی بویژه در سال‌های اخیر به صورت کانون تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی درآمد است؛ به طوری که سه کارکرد سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی را همزمان ایفا می‌کند. از سوی دیگر نیروهای مسلح و بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۵). به نحوی که امروزه به عنوان یک نیروی محافظه‌کار قدرتمند در بلوک قدرت ایران مانع از حصول روابط مطلوب با ایالات متحده قلمداد می‌گردد (Jesse, 2011: 165).

در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده نهادهای مختلفی از جمله وزارت خارجه، سیا و شورای امنیت ملی اثرگذار هستند اما یکی از نهادهای تاثیرگذار بویژه در قبال ایران، کنگره امریکا است که با تصویب لوایح تحریمی مختلف علیه ایران نشان داده است که در برخورد با

ایران دارای اتفاق نظر است (اعجازی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۷). در خصوص نقش آفرینی احزاب دموکرات و جمهوری خواه علیه نظام ایران نیز هر یک از آنها با دست زدن به اقداماتی که مکمل هم و نه مقابل هم بوده سعی کرده اند که به منافع نظام ایران ضربه بزنند. در دوران جمهوری خواهان و به رغم اقدامات خشونت بار در برابر ایران، بیشترین مبادلات تجاری را با ایران داشته اند و در دوران دموکرات ها شدیدترین تحریم های اولیه و ثانویه علیه ایران وضع شده است (عنادی، ۱۳۸۵: ۳۲۹-۳۲۸).

حوزه عوامل تاریخی: روابط ایران و آمریکا از آغاز شکل گیری تاکنون با فراز و نشیب های متعددی مواجه بوده است و اندیشمندان و صاحب نظران دسته بندی های مختلفی از دوره های تاریخی روابط دو کشور ارائه داده اند. اما برخی از صاحب نظران بیان می کنند که بررسی مساله چگونگی روابط ایران و آمریکا در تاریخ آن قدر مهم نیست که تصور ایرانیان از این روابط مهم است (اخوان زنجانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۱).

در حوزه عوامل تاریخی دوازده توصیف گر به عنوان کلیدی ترین عوامل مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله مهمترین آنها به نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت همه جانبه از حکومت پهلوی دوم، اشغال سفارت آمریکا در تهران، حمایت از عراق در حمله به ایران و وضع تحریم های اولیه و ثانویه در برابر ایران می توان اشاره کرد. از سوی دیگر اشغال سفارت آمریکا در تهران نیز در حافظه تاریخی ایالات متحده تاثیر گذار است.

حوزه نقش ایران در حل و فصل پرونده های منطقه ای: راهبرد منطقه ای ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر محور امنیت به هم پیوسته قرار گرفته است. بدین معنا که هرگونه ایجاد ناامنی برای ایران به معنای بروز ناامنی برای منطقه است و اگر امنیت منطقه برای آمریکا و هم پیمانان منطقه ای آن اهمیت دارد باید دغدغه های مشروع ایران به عنوان یک کشور موثر منطقه را به رسمیت بشناسند. حضور مستقیم نظامی ایران در عراق و سوریه علاوه بر تامین امنیت مرزها برای اتصال ژئوپولیتیکی محور مقاومت (تهران- بغداد- دمشق- لبنان) و جلوگیری از افزایش قدرت رقبا منطقه ای امری حیاتی است. از سوی دیگر حمایت از حزب الله لبنان و گروه های فلسطینی نیز در راستای مقابله با سیاست های اسرائیل و ایجاد توازن قوا در منطقه و همچنین در جهت افزایش قدرت چانه زنی برای حفظ امنیت و منافع ملی است (شکوری و وزیریان،

۱۳۹۸: ۱۱). جایگاه ایران در حل و فصل پرونده افغانستان، عراق، سوریه و یمن از جمله توصیفگرهای این حوزه است.

حوزه اهمیت و جایگاه جغرافیایی ایران: ژئوپولیتیک^۱ به عنوان یکی از رویکردهای تحلیل سیاست خارجی به بررسی ارتباط قدرت ملی و جغرافیا می‌پردازد و در کانون ژئوپولیتیک قدرت ملی قرار دارد که به معنای توانایی و ظرفیت یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود در جهت منافع ملی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۴۵). دومین حوزه‌ای که به آن پرداخته می‌شود، حوزه ژئواستراتژیک^۲ ایران است. ژئواستراتژی علمی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در تدوین راهبردها به طور اعم و راهبردهای نظامی به طور اخص مطالعه می‌کند. سومین حوزه مورد بررسی در این بخش، حوزه ژئواکونومیک^۳ ایران است. ژئواکونومی، مطالعه اثرگذاری زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپولیتیک منطقه‌ای یا جهانی است. برجسته‌ترین ویژگی ژئواکونومی ایران در حوزه ژئوپولیتیک انرژی است چرا که ایران علاوه بر داتن موقعیت کانونی در جغرافیای جهان دارنده چهارمین منابع نفتی و اولین منابع گاز طبیعی جهان است. چهارمین حوزه مورد بررسی در این بخش حوزه ژئوکالچر^۴ یا ژئوپولیتیک فرهنگی است که عبارت از اثر برخوردی فرهنگی بر شکل‌گیری‌های سیاسی است. فرهنگ و هویت ایرانی در جغرافیای سرزمینی ایران و مذهب از بنیادهای تاریخی، جغرافیایی و شیعی است (مهدیان و حسینی و آقاسینی، ۱۳۹۶: ۲۰۸-۲۰۹).

حوزه عوامل فرهنگی و اجتماعی: دولت‌ها عمدتاً متأثر از عوامل داخلی و خارجی و در برهم‌کنش با محیط پیرامون خود به سر می‌برند. نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عمده مسائل مورد توجه دولت‌هاست که در تعامل با یکدیگر، واحدهای سیاسی خرد و کلان به ایفای نقش می‌پردازد (طالعی‌حور، امیدی و بصیری، ۱۳۹۵: ۷۲). فرهنگ ملی هر کشور یکی از عوامل موثر در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی آن است و فرهنگ‌شناسان

1. Geopolitics
2. Geostrategic
3. Goeconomic
4. Geoculture

در بررسی فرهنگ ملی ایرانیان چهار لایه فرهنگی باستان، اسلامی، مدرن و انقلاب اسلامی را شناسایی کرده‌اند. سازگاری ایرانی که به اعتقاد برخی فرهنگ‌شناسان متأثر از موقعیت ژئوپولیتیک ایران در مسیر تجارت و تهاجم اقوام مختلف شکل گرفته است به همراه احساس نیرومند غرور ملی ایرانی از ویژگی‌های ثابت فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ بوده است (موسوی‌زاده، جاودانی مقدم، ۱۳۸۷: ۲۲۱-۲۰۰). این حوزه با توصیف گره‌های شخصیتی مردم دو کشور، نقش افکار عمومی و روابط مردم با مردم بررسی می‌شود.

حوزه آینده نظام بین‌الملل: با توجه به آنکه ارزش استراتژیک منطقه خاورمیانه به دلایلی همچون غیر استراتژیک شدن نفت در نیم‌قرن آینده، افزایش تصاعدی معضلات منطقه، ناکارآمدی مخرب سیاست قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای و از میان رفتن زیرساخت‌ها و نیز تغییرات جبران‌ناپذیر اقلیمی در بخش‌های وسیعی از منطقه رو به کاهش است، قدرت اول شدن و قدرت اول ماندن در خاورمیانه بسیار پرهزینه است. در زنجیره روابط بین‌المللی، جمهوری اسلامی باید با کشورهایی که در اقتصاد و سیاست جهانی دارای نقش و نفوذ در خور توجهی هستند تعامل معقولی داشته باشند. بنابراین ایران باید زنجیره تداوم روابط با قدرت‌های مختلف از اروپا گرفته تا چین، روسیه، هند، ترکیه و ... را حفظ کند. بویژه آنکه اگر چین و روسیه احساس کنند ایران غیر از پیوندهای همه‌جانبه با آنها گزینه دیگری در اختیار ندارد، به صورت طبیعی ممکن است در صدد حداکثری کردن منابع و مطالبات خود از کشورمان برآیند (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۰۶-۱۸۳). در حوزه آینده نظام بین‌الملل، روابط ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، روسیه، چین و در نهایت اتحادیه اروپا به عنوان توصیف‌گر مورد بررسی قرار گرفته است.

حوزه نقش رهبران دو کشور: نظریه پردازان تحلیل سیاست خارجی همواره بر نقش رهبران سیاسی به عنوان یکی از عوامل داخلی اثرگذار بر سیاست خارجی یک کشور انکارناپذیر می‌دانند. به باور والتز^۱ «جنگ در اذهان و احساسات انسان‌ها آغاز می‌شود». با این وجود، فرد همیشه در تصمیم‌گیری خود اختیار و آزادی کامل ندارد و از طرف دیگر باورهای تصمیم‌گیرندگان نیز مثل هر فرد دیگری در طول زندگی خود در مواجهه با اطلاعات جدید و رخدادهای خارجی تغییر می‌کند هر چند این تحول اگر هم رخ دهد اغلب کند و جزئی است (خسروی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۶۵۲).

در ایالات متحده، تصمیمات رئیس جمهور امریکا بر زندگی میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان تاثیرگذار است. بنیانگذاران ایالات متحده با تلفیق اختیارات و قدرت حکومت و رهبر ملت، نوعی حکومت ایجاد کرده‌اند که در آن رئیس قوه مجریه بتواند در لحظات حساس، اساسی‌ترین تصمیمات را یک تنه بگیرد (امجد، ۱۳۹۴: ۱۵۹). در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بسیاری از اختیارات و مسئولیت‌های مستقیم یا غیر مستقیم نهاد رهبری در این حوزه است (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۳).

حوزه عوامل اقتصادی: امروزه بازیگرانی در حوزه توسعه اقتصادی موفق هستند که در آمد سرانه شهروندان، امید به زندگی، میانگین طول عمر، حجم سرمایه‌گذاری، ارزش پول ملی، سطح پیچیدگی تولیدات آن‌ها، میزان حضور و مشارکت شرکت‌ها و نهادهای پولی و مالی و حجم مبادلات بین‌المللی، نه تنها در سطح مطلوب بلکه بیشتر از دیگران نیز باشد (قنبری، ۱۳۹۶: ۱۹۲). جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور تحقق اهداف توسعه اقتصادی خود نیازمند بهره‌گیری بیشتر از امکانات و ظرفیت‌های داخلی در عرصه تعاملات اقتصادی جهان با استفاده از ابزارهای سیاست خارجی است. برخورداری از موقعیت جغرافیایی، منابع سرشار زیرزمینی (بویژه نفت و گاز) و نیروی انسانی جوان و تحصیلکرده ایران را به کشوری مهم و ذی‌نفوذ در منطقه غرب آسیا و تاثیرگذار در جهان تبدیل کرده است (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ۹۷-۹۴). در حوزه عوامل اقتصادی تاثیر منابع نفت و گاز ایران و آینده نیاز به انرژی فسیلی، نیاز ایران به دستیابی به فناوری‌های نوین و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بویژه نیاز ایران به عادی‌سازی مبادلات پولی و مالی با نظام بین‌الملل به عنوان توصیف‌گر قرار دارند.

انواع آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی تلاشی در جهت یافتن تصویری از آینده و ارائه توجیهی برای آن است. آینده‌پژوهان، آینده‌های مختلفی را برای مطالعات آینده‌پژوهی در نظر می‌گیرند. آنها می‌خواهند بدانند کدام پدیده‌ها ممکن هستند (آینده‌های ممکن)، احتمال بروز کدام پدیده‌ها بیشتر است (آینده‌های محتمل) و کدام پدیده‌ها باید روی دهند (آینده‌های مرجح) (بل، ۱۳۹۲: ۱۶۰/۱-۱۵۹). در یک رویکرد کلی، مطالعات آینده‌پژوهی در دو طیف کلی قرار می‌گیرند:

مطالعات زمینه‌نگاری یا گذشته‌نگری: ^۱ این شیوه از آینده‌نگری را برای اولین بار در سال ۱۹۹۰، رابینسون^۲ در دانشگاه واترلو^۳ مطرح نمود. سوال اساسی در این رویکرد این است که اگر ما بخواهیم به هدفی خاص دست پیدا کنیم، چه اقداماتی باید برای رسیدن به آن انجام دهیم؟ از این رو، به لحاظ تحلیل نتایج و یافته‌های آماری، مطالعات گذشته‌نگری در تضاد کامل با مطالعات پیش‌بینی می‌باشد (Robinson, 1982: 54). در این شیوه از آینده‌پژوهی، با در نظر گرفتن تصویری ویژه و موفق از آینده، باید به این پرسش پاسخ داد که برای دستیابی به این افق، بایستی امروز چه کارهایی انجام شود تا به این چشم‌انداز ترسیم شده در آینده دسترسی پیدا کرد.

مطالعات پیش‌بینی: ^۴ پیش‌بینی فرآیندی است که بر مبنای اطلاعات گذشته و حال، برای آینده تصویرسازی می‌نماید و در این راه با تعیین اولویت‌ها و مطالعه نیازمندی‌های هر استراتژی، بهترین راه تحقق و دستیابی به هدف را در افق زمانی مشخص ارائه می‌دهد. در این مطالعه، در طی دستیابی به یک آینده مشخص، به طور مرتب داده‌ها و استراتژی‌ها ارزیابی شده و در صورت لزوم تغییرات لازم در آنها داده خواهد شد، البته این کار هزینه و انرژی زیادی را می‌طلبد (Helmer, 1983: 54).

روش پژوهش

با توجه به اهداف بیان شده و ادبیات نظری پژوهش، فهرستی اولیه از متغیرهای مورد نیاز تهیه شد. با ورود به مرحله تحلیل داده‌ها، متغیرهای نهایی به دست آمده، در محیط نرم‌افزار میک‌مک تعریف و گُذبندی شدند. سپس، به منظور تعیین اولویت و میزان اهمیت هر یک از شاخص‌های پژوهش در قیاس با دیگر متغیرهای تحقیق، از افراد نمونه خواسته شد تا بر حسب میزان اولویت و اهمیت این مسائل در طیفی چند گزینه‌ای (۰ = بدون تأثیر، ۱ = اهمیت کم، ۲ = اهمیت متوسط، ۳ = خیلی مهم، P = دارای اهمیت بالقوه) به آن‌ها امتیاز دهند. با ورود این امتیازبندی‌ها به محیط نرم‌افزار میک‌مک و دستیابی به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، متغیرهای هدف، مستقل، ریسک، دو وجهی و غیره شناسایی شدند و چگونگی توزیع آن‌ها در نمودار پراکندگی پژوهش مشخص شد. در ادامه با بررسی میزان اثر وابستگی‌های مستقیم،

1. Backcasting
2. John B. Robinson
3. Waterloo
4. Forecasting

غیرمستقیم و بالقوه، فهرستی از عناصر پیشران کلیدی که دارای بیشترین میزان اثرگذاری در دست‌یابی به سناریوهای پژوهش می‌باشند، شناسایی شدند و موارد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری؛ پایداری و ناپایداری و وابستگی متغیرها نیز بررسی شد و در پایان سناریوهای پیش روی روابط دو کشور در نرم‌افزار سناریو ویزارد استخراج گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶ نفر اعضای هیات علمی دانشگاه و خبرگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هستند. در این قسمت به تحلیل جامعه آماری با توجه به فراوانی خبرگان پرداخته می‌شود. در نمودار شماره (۱)، سابقه کاری خبرگان و رتبه دانشگاهی آنها مورد تحلیل آماری قرار گرفته است.



نمودار ۱- رتبه علمی و سابقه کاری خبرگان پژوهش

مأخذ: نگارندگان

با توجه به داده‌های پژوهش و براساس نمودار (۱) مشخص می‌گردد که بیشترین سابقه کاری مخاطبین این تحقیق محدوده ۱۰ تا ۲۰ سال با فراوانی ۹ مورد می‌باشد و از طرفی بیشترین تعداد خبرگان با رتبه دانشگاهی استادیاری و با فراوانی ۹ مورد گزارش شده است.

یافته‌های تحلیلی پژوهش

پیشران‌های روابط ایران و آمریکا

برای استخراج پیشران‌های کلیدی از روش تحلیل تاثیر متقاطع^۱ استفاده شده است. این روش در سال ۱۹۶۶ توسط تئودور گوردون^۲ و اولاف هلمر^۳ ابداع شد. آن‌ها این روش را برای تشخیص روابط متقابل میان وقایعی که منجر به یک پدیده می‌شوند با هدف کاهش شک و تردید در مورد آینده ابداع کردند. این روش، رویکردی تحلیلی به احتمالات یک آیتم در یک وضعیت پیش‌بینی شده است. به سختی می‌توان رویدادی را تصور کرد که رویدادی دیگر در وقوع یا شکل‌گیری آن کم و بیش دخالت نداشته باشد یا پس از وقوع هیچ اثری از خود به جا نگذارد. این روابط متقاطع بین رویدادها و پیشرفت‌ها «تاثیر متقاطع» نام دارد (گلن و گوردون، ۱۳۹۳: ۲۶۰/۱-۲۵۲).

تحلیل تاثیر متقاطع متعادل^۴ نوع جدیدی از تحلیل تاثیر متقاطع است که دارای ویژگی‌هایی چون فهم آسان رویه، شفافیت و انعطاف‌پذیری بسیار در کاربرد و ارزیابی نتایج است (محمدی لرد، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۱۱۲).

از روش فوق برای شناسایی نیروهای پیشران^۵ استفاده می‌شود که داستان توصیف شده را در یک طرح ویژه شکل می‌دهند و به جلو می‌برند. در حالی که نیروهای منحصر به فردی که می‌توانند هر طرحی را متاثر سازند اصولاً بی‌شمارند. در یک سطح متداول، آن‌ها می‌توانند به دو دسته تقسیم شوند: نیروهای محیطی و اقدامات نهادها.

در این پژوهش به منظور تحلیل محاسبات پیچیده ماتریس اثرات متقاطع از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. روش این نرم‌افزار به این گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های

1. Cross Impact
2. Theodore Gordon
3. Olaf Helmer
4. Cross Impact Balance Analysis
5. Driving Forces

مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را در ماتریسی مانند ماتریس تحلیل اثرات وارد کرده و میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوطه توسط خبرگان، تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذراند.

بدین ترتیب، متغیرهای سطر، تأثیرگذار و متغیرهای ستون، تأثیرپذیر می‌باشند. میزان ارتباط، با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط و در نهایت عدد سه به معنی تأثیر زیاد می‌باشند. همچنین، P به معنای تأثیر بالقوه می‌باشد. بنابراین، اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده n باشد، یک ماتریس $n \times n$ به دست می‌آید که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است (Asan, 2007: 635). این ماتریس بدست آمده را می‌توان با نمودار متناظر آن نیز نمایش داد که در آن نمودار جهت تأثیرگذاری هر گره بر دیگری توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری به صورت عددی در بالای آن پیکان نمایش داده می‌شود و در نهایت بر اساس توپولوژی متغیرها، این نرم‌افزار قادر است به رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی اقدام کند (Godet, 1991: 91).

برای انجام پژوهش ابتدا طبقه‌بندی شاخص‌های موثر در آینده‌پژوهی روابط ایران و امریکا در ۱۴۰۸، در ۱۴ دسته‌بندی اصلی و ۷۸ متغیر زیرمجموعه پس از گفت‌وگوهای متفاوت با اساتید دانشگاه و بررسی اسناد به صورت اکتشافی به دست آمدند که در نهایت، ماتریسی با ابعاد 78×78 شکل گرفت. سپس نسبت به کدگذاری اقدام شد.

در گام بعدی، از افراد متخصص در این زمینه خواسته شد تا به امتیازدهی شاخص‌های مورد بررسی برحسب میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها پردازند و در آخر به متغیرهای مورد تحقیق، امتیازهایی از ۰ تا ۳ با توجه به شدت اثرات و P با در نظر گرفتن اثرات بالقوه، بدهند.

بر اساس نتایج پایایی به دست آمده از نرم‌افزار میک‌مک، می‌توان گفت که شاخص به دست آمده برای متغیرها با ۲ بار تکرار داده‌ای در نرم‌افزار، عدد $91/35$ درصد را نشان می‌دهد که این امر، نشان ضریب بالای تأثیرگذاری متغیرها و عوامل انتخاب شده بر یکدیگر است.

جدول (۱) ویژگی‌های ماتریس اولیه

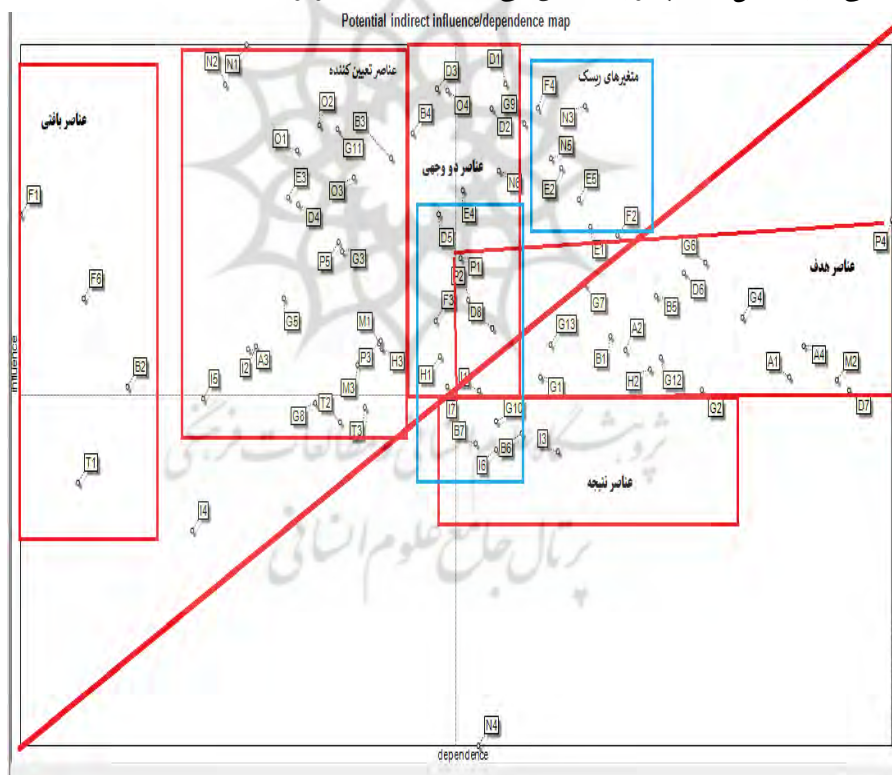
ارزش	شاخص
۷۸	اندازه ماتریس
۵	تعداد تکرار داده‌ای
۵۲۶	تعداد صفرها
۱۷۸۵	تعداد یک‌ها
۲۴۴۳	تعداد دوها
۱۱۴۱	تعداد سه‌ها
۱۸۹	تعداد P ها
۵۵۵۸	جمع
٪۹۱/۳۴۹۲۲	شاخص پُرشدگی

مأخذ: نگارندگان

مطابق جدول (۱) که بر مبنای ۵۵۵۸ ارزش محاسبه شده در ماتریس اولیه اثرات متقاطع از سوی افراد متخصص است، ۱۱۴۱ مورد دارای اثرگذاری بالا، ۲۴۴۳ مورد با بالاترین حجم آماری دارای تاثیر متوسط، ۱۷۸۵ مورد کم تاثیر و ۱۸۹ مورد با میزان تاثیرگذاری بالقوه ارزیابی شده‌اند. براساس تحلیل‌های انجام شده توسط نرم‌افزار میک‌مکچهار نوع دسته‌بندی متغیرها وجود دارند که عبارتند از: نمودار اثر- وابستگی مستقیم، اثر- وابستگی مستقیم بالقوه، اثر- وابستگی غیرمستقیم و در نهایت اثرگذاری- وابستگی غیرمستقیم بالقوه که در آن داده‌های حاصل از تحلیل مستقیم و بالقوه متغیرها، به توان‌های ۲، ۴، ۶، ۸ و ... رسانده شده‌اند. پس از تحلیل وضعیت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هر شاخص، در ادامه انجام مدل و بر اساس نتیجه‌های نرم‌افزاری که حاصل ایده جامعه متخصص در این حالت است، در تحلیل ماتریس اثر- وابستگی، بایستی به نحوه چیدمان و پراکنندگی شاخص‌های رابطه ایران و آمریکا با الگوی آینده‌پژوهی در چارچوب نمودار (۲)، توجه نمود. الگوی این توزیع، ارتباط بسیار مستقیمی با وضعیت‌های کلی رابطه با رویکرد آینده‌نگرانه خواهد داشت. به نحوی که در این رابطه ضمن دارا بودن شاخص‌هایی با میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بالا، متغیرها نیز در آن دارای توزیعی نرمال در دیگر سطوح نمودار (دارا بودن متغیرهای تعیین‌کننده، دوگانه، ریسک، هدف، تنظیمی، مستقل و اهرمی ثانویه) هستند. بر این اساس، در وضعیت ناپایدار رابطه بین دو کشور، توزیع متغیرها، الگوی یکسان و نرمالی ندارند و

اکثر شاخص‌ها یا گرایش به بالا یا پایین بودن دارند. از همین رو، با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان دریافت حالت‌های روابط دو کشور با در نظر گرفتن نمودار تحلیل اثر وابستگی از حالت مطلوبی برخوردار نیست و در وضعیت فعلی نیز در حالت بسیار ناپایداری قرار دارد که می‌تواند ناشی از سیاست‌هایی باشد که به صورت غیرمستقیم، نقش فعالی در این وضعیت داشته‌اند به نحوی که متغیرهای مورد نظر همگی دارای تفاوت‌هایی در اثرگذاری و اثرپذیری بوده‌اند و تعدادی از آن‌ها در زمره عوامل تعیین‌کننده نمودار در حال تغییر هستند که می‌تواند نشان از تغییر و تحولات پیش‌رو باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش و مطابق نمودار (۲) متغیرهای غیرمستقیم بالقوه تاثیرگذار بر روابط ایران و ایالات متحده قابل دستیابی هستند. ویژگی این شکل آن است که تاثیرات فعلی و آتی را به شکل مناسب‌تر به نمایش می‌گذارد و آینده‌نگرتر است.



نمودار ۲- پراکندگی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری- وابستگی غیرمستقیم بالقوه شاخص‌های رابطه ایران و آمریکا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

عناصر بافتی به شدت بر سیستم تاثیر گذارند و نقش اساسی در ثبات سیستم دارند. از مهمترین این متغیرها به (T1) نوع تعریف دو کشور از تروریسم، (F1) ویژگی‌های شخصیتی مردم ایران و (F6) نقش روابط مردم با مردم می‌توان اشاره نمود. عناصر تعیین کننده بیشتر تاثیر گذارند و کمتر تاثیر می‌پذیرند بنابراین سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد و این متغیرها بحرانی ترین متغیرها هستند که (P5) آینده ساختار رهبری در ایران، (B3) اقدامات اجرایی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، (N1) نقش و جایگاه اسرائیل و (O2) نقش لابی‌ها از جمله این موارد هستند. (N3) نقش و جایگاه عربستان سعودی و (E5) نیاز به مبادلات پولی از جمله عناصر ریسک هستند. عناصر ریسک همزمان هم بسیار تاثیر گذار و هم بسیار تاثیر پذیرند و ظرفیت تبدیل شدن به متغیرهای کلیدی را دارند. (D1) نقش دولت آمریکا، (D2) نقش نهادهای نظامی آمریکا و (O4) نقش گروه‌های فشار و تندرو ایران از جمله عناصر دوجوهی هستند که باعث ناپایداری سیستم می‌شوند و هر نوع تحول در این مولفه‌ها منجر به تغییر دیگر مولفه‌ها خواهد شد. عناصر هدف بیش از آنکه تاثیر گذار باشند تاثیر پذیرند؛ بنابراین می‌توان آن‌ها را به عنوان نتایج تکامل سیستم شناسایی نمود که نمایانگر اهداف ممکن در سیستم می‌باشند. (M2) نقش جایگاه ژئواستراتژیک ایران، (A4) روابط ایران با اتحادیه اروپا و (A2) جایگاه جمهوری اسلامی در آینده ائتلاف‌های منطقه‌ای از جمله این متغیرها هستند. در نهایت متغیرهای (B6) تحول و نحوه برخورد با برنامه‌های موشکی ایران، (T6) آینده جهانی سازی فرهنگ شیعی از جمله عناصر نتیجه هستند. عناصر نتیجه دارای تاثیر گذاری پایین و تاثیر پذیری بالا هستند و خروجی سیستم به شمار می‌روند.

بر اساس تفسیر و تحلیل فرایندهای نرم‌افزار در جهت تبیین بیشتر روابط بین ایران و آمریکا در افر ۱۴۰۸، بر مبنای مجموع داده‌های بدست آمده در پژوهش و به منظور زمینه‌سازی برای شناسایی نیروهای پیشران کلیدی در وضعیت رابطه، ضرورت دارد که به رتبه‌بندی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه از متغیرها بر حسب میزان جابجایی احتمالی این شاخص‌ها در رابطه بین دو کشور توجه گردد. بر همین اساس، در چارچوب جدول (۲) به تحلیل اثرگذاری و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش پرداخته، ده متغیر دارای بیشترین امتیاز ارائه شده است. در این رتبه‌بندی (N1) نقش و جایگاه اسرائیل و (D1) نقش دولت آمریکا در اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم و (D6) نقش نهادهای نظامی ایران و (D7) نقش نهادهای سیاسی ایران در وابستگی

مستقیم و غیر مستقیم از جمله اولویت‌ها هستند.

جدول ۲- رتبه‌بندی اثر- وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بر حسب احتمال جابجایی متغیرها

رتبه	نماد	اثر گذاری مستقیم	نشان	وابستگی مستقیم	نشان	اثر گذاری غیر مستقیم	نماد	وابستگی غیر مستقیم
۱	N1	204	D6	152	N1	202	D6	152
۲	D1	197	D7	152	D1	196	D7	151
۳	O4	195	A1	150	N2	192	P4	150
۴	N2	194	P4	150	O4	191	A1	150
۵	D3	190	F2	150	D3	191	F2	149
۶	O2	189	G7	149	O2	188	G7	148
۷	D2	188	G12	147	N3	186	G12	148
۸	N3	187	M2	147	B4	185	M2	147
۹	B4	186	G6	146	D2	185	G6	146
۱۰	G11	186	D2	145	G11	182	D2	145

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

(شرح نمادها در پیوست شماره ۱)

در راستای ادامه فرایند با تبیین و تفسیر محتوا و تجزیه تحلیلی متناسب با روند پژوهشی پس از شناسایی متغیرها و سنجش ارتباط میان آنها از سوی خبرگان، ۷۸ متغیر نهایی مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار گرفتند که در نهایت از این مجموع، ۲۰ متغیر به عنوان پیشران‌های کلیدی موثر و اثرگذار (مستقیم و غیر مستقیم) در یک طیف کیفی از بسیار پراهمیت تا نسبتاً پراهمیت و مهم در قالب جدول (۳) ارائه شد که مبنایی برای تدوین سناریوهای پژوهش خواهند بود.

جدول ۳- نیروهای پیشران کلیدی موثر بر وضعیت رابطه دو کشور ایران و امریکا

عوامل کلیدی تأثیرگذار مستقیم	عوامل کلیدی تأثیرگذاری غیر مستقیم
نقش و جایگاه اسرائیل	نقش و جایگاه فلسطین
نقش دولت امریکا	نقش لابی‌ها
نقش نهادهای سیاسی امریکا	نقش نهادهای نظامی ایران
نقش گروه‌های فشار و تندرو ایران	نقش نهادهای سیاسی ایران
نقش و جایگاه عربستان سعودی	نقش نهادهای نظامی امریکا

نقش وجود حسن نیت در گفتار و عمل رهبران دو کشور	نحوه برخورد کشورها با توافق برجام
نقش جایگاه ژئواستراتژیک ایران	جایگاه جمهوری اسلامی در آینده نظام بین الملل
تحول در پسا برجام (خروج هر یک از طرفین برجام)	نقش و جایگاه رهبر آینده ایران بر آینده روابط دو کشور
قانون تحریم ایران	نقش ویژگی های فردی رهبران دو کشور
جایگاه جمهوری اسلامی در آینده ائتلاف های منطقه ای	تاثیر روابط چین و روسیه بر آینده روابط با امریکا

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

سناریوهای روابط ایران و امریکا

نرم افزار سناریو ویزارد در مرکز پژوهشی دانشگاه اشتوتگارت آلمان توسعه یافته است. اساس کار این نرم افزار، ماتریس های اثر متقابل است. این ماتریس ها به منظور استخراج نظر خبرگان در مورد اثر احتمال وقوع یک حالت از یک توصیف گر بر روی حالتی از توصیف گر دیگر در قالب عبارت های کلامی استفاده می شود. تحلیل آثار متقاطع متوازن، روشی برای تحلیل بیش کیفی درباره روابط بین عوامل یک شبکه اثرگذاری استفاده می کند تا به تصویری سازگار درباره رفتار شبکه دست یابد.

به منظور ورود شاخص های پژوهش برای امتیازدهی به نرم افزار سناریو ویزارد به بیان توصیف گرهای کلی هر شاخص، زیرمجموعه های توصیف گر، توصیف وضعیت، میزان درجه مطلوبیت (به صورت طیفی از اعداد از ۳ تا ۳-) و مشخصات مربوط به هر کدام پرداخته شده است.

بایستی اشاره نمود که در مرحله تبیین این توصیف گرها و عوامل مربوط به هر کدام تا زمان ورود این عناصر به محیط نرم افزار سناریونگاری و شروع فرآیند تحلیل ساختاری^۱ و دستیابی به امتیازهای کسب شده از سوی هر عامل، همگی دارای عدم قطعیت به لحاظ وقوع و میزان اثرگذاری هستند.

در ادامه پردازش نرم افزاری با فرایندی منظم در جهت تبیین بیشتر مسئله جهت شناسایی وضعیت برای آینده واقع بینانه تحلیل سناریوها به لحاظ سازگاری و مطلوبیت، از ۱۰.۱۶۰.۶۴۰.۰۰۰ وضعیت محتمل توسط نرم افزار سناریو ویزارد، حدود ۹۹ درصد سناریوها

به لحاظ مطلوبیت و سازگاری در وضعیت خیلی ضعیف و غیر ممکن قرار داشتند. با در نظر گرفتن تحلیل‌های انجام شده در بخش‌های گذشته از آنجا که امکان بیان همه سناریوها در فرآیند پژوهش وجود ندارد در جدول (۴) پنج طیف سناریوی دارای بالاترین سازگاری به عنوان قوی‌ترین سناریوها خلاصه شده است.

جدول ۴- محتمل‌ترین سناریوهای ممکن در روابط ایران و آمریکا در ۱۴۰۸

ردیف	سناریو نامطلوب (احتمال رخداد متوسط)	نامطلوب‌ترین سناریو (احتمال رخداد زیاد)	مطلوب‌ترین سناریو (احتمال رخداد خیلی کم)	سناریوی مطلوب (احتمال رخداد کم)	سناریوی میانه (احتمال رخداد خیلی زیاد)
۱	اجماع‌سازی جهانی علیه برنامه موشکی ایران (B6)	حمله نظامی محدود به تاسیسات هسته‌ای و موشکی ایران توسط آمریکا، اسرائیل و با همکاری عربستان سعودی (B1)	روی کار آمدن ساختار میانه‌رو در نظام ایران و آمریکا (P1)	تحول در رویکرد ارزش‌گرای نظام ایران و حرکت به سوی عمل‌گرایی در سیاست خارجی (I7)	توسعه نفوذ نهادهای نظامی (ارتش، سپاه پاسداران و بسیج) در تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی (D6)
۲	توسعه تلاش‌های آپیک جهت براندازی نظام ایران (O3)	توسعه اقدامات تنش‌زای گروه‌های تندرو ایران (O4)	حذف تحریم‌های ثانویه آمریکا و جذب سرمایه‌گذاری خارجی توسط ایران (E4)	تغییرات در ساختار مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و روی کار آمدن چهره‌های میانه‌رو (D7)	اصلاح برخی اشکالات ساختار رهبری نظام ایران (P5)
۳	توسعه قدرت نو محافظه‌کاران در نهادهای تصمیم‌ساز آمریکا در سیاست خارجی (D3)	شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای علیه نظام ایران با مشارکت عربستان، عراق و ترکیه (A2)	توسعه روابط مردم با مردم در قالب گردشگری، بازرگانان و دانشجویان (F6)	دستیابی به نقشه راه مذاکرات در تمام زمینه‌های مورد مناقشه دو کشور (P2)	توسعه نقش عربستان سعودی در حل پرونده یمن (C4)

دستیابی به تعریف مشترک از تروریسم (T1)	پذیرفته شدن اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی (E5)	تغییرات در ساختار مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و روی کار آمدن چهره‌های میانه‌رو (D7)	عدم تحول در نگاه و رفتار ایران به مساله خاورمیانه و تداوم اسرائیل‌ستیزی (N2)	عدم تطبیق موضوعات حقوق بشر با قوانین داخلی ایران (H2)	۴
--	---	---	--	---	---

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

(شرح نمادها در پیوست شماره ۲)

نتیجه‌گیری

عوامل متعددی در شکل‌دهی به آینده روابط ایران و آمریکا موثر هستند. براساس یافته‌های پژوهش چهارده بُعد یا حوزه تاثیرگذار با هفتاد و هشت توصیف‌گر یا شاخص شناسایی گردیدند. در گام بعدی و با استفاده از روش تحلیل تاثیر متقاطع متعادل و با کمک نرم‌افزار میک‌مک ماتریس تاثیرات مستقیم و تاثیرات بالقوه تشکیل شد و بر اساس تحلیل‌های انجام شده توسط نرم‌افزار، ماتریس‌های تاثیرات غیرمستقیم و تاثیرات غیرمستقیم بالقوه استخراج گردید. نکته حائز اهمیت در این تحلیل‌های انجام شده آن است که در مجموع نوع چیدمان توصیف‌گرها در این نمودارها حکایت از ناپایداری شدید سیستم روابط خارجی ایران و آمریکا دارد. در مجموع ۲۰ پیشران روابط دو کشور شناسایی شده‌اند که نقش نهادهای درون حکومتی با پنج پیشران شامل نقش دولت آمریکا، نقش نهادهای سیاسی آمریکا، نقش نهادهای نظامی ایران، نقش نهادهای سیاسی ایران و نقش نهادهای نظامی آمریکا در صدر پیشران‌ها به لحاظ تعداد قرار گرفته است. سه حوزه نقش کشورهای مزاحم روابط، نقش و ویژگی‌های رهبران دو کشور و آینده نظام بین‌الملل هر کدام با سه پیشران در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نقش و جایگاه اسرائیل، مساله فلسطین و صلح با اسرائیل، نقش و جایگاه عربستان سعودی در ذیل حوزه کشورهای مزاحم روابط قرار گرفته‌اند. در حوزه نقش و ویژگی‌های رهبران دو کشور سه پیشران، نقش وجود حسن نیت در گفتار و عمل رهبران، نقش و جایگاه آینده ساختار رهبری در ایران، نقش ویژگی‌های فردی رهبران دو کشور قرار دارد. در حوزه نقش اتاق‌های

فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار، نقش لابی‌ها در امریکا و نقش گروه‌های فشار و تندرو در ایران از جمله پیشران‌ها قرار گرفته‌اند. در حوزه توانمندی‌های هسته‌ای و برنامه موشکی ایران، تحول در توافق برجام و خروج برخی اطراف این توافق‌نامه به عنوان پیشران قرار گرفته‌اند. در حوزه نقش عوامل جغرافیایی اهمیت و جایگاه ژئواستراتژیک ایران قرار دارد و در نهایت قوانین تحریم ایران که از سوی ایالات متحده وضع و یا حمایت شده‌اند در حوزه عوامل تاریخی به عنوان پیشران عمل می‌کنند.

به منظور ارائه سناریوهایی با ضریب بالای سازگاری و مطلوبیت پیرامون آینده‌پژوهی روابط ایران و امریکا، می‌توان گفت که با توجه به ناپایداری شدید این سیستم و همچنین ماهیت چندوجهی تعدادی از متغیرهای پژوهش، ارائه تعداد زیادی سناریو با وضعیت سازگاری مطلوب که از باورپذیری مناسبی نیز برخوردار باشد، چندان امکان‌پذیر نیست. پنج دسته سناریوی بدیل که محتمل‌ترین سناریوهای استخراج شده می‌باشند را می‌توان در رده‌های زیر خلاصه نمود:

سناریوهای مطلوب: یکی از سناریوهای قابل دستیابی در روابط دو کشور، تحول در رویکرد ارزش‌گرای ایران و حرکت به سمت عملگرایی در سیاست خارجی است که به تبع در پیش گرفتن این سیاست امکان دستیابی به نقشه راه در تمامی زمینه‌های مورد مناقشه میان ایران و امریکا فراهم خواهد شد. اقتصاد ایران به عنوان تنها اقتصاد بزرگ دنیا که به اقتصاد جهانی نپیوسته است نیز امکان بهره‌مندی از مزایای اقتصاد جهانی را خواهد یافت. در عرصه داخلی نیز تغییرات ساختاری در نهادهای تاثیرگذار همچون مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد شده و شاهد حضور چهره‌های میانه‌رو در این بخش‌ها خواهیم بود.

سناریوی ممکن: در حوزه سناریوهای ممکن موارد زیر قابل پیش‌بینی است:

* روی کارآمدن ساختار میانه‌رو در هیات حاکمه ایران و امریکا؛

* توسعه روابط تجاری، گردشگری و فرهنگی میان دو کشور؛

* حذف تحریم‌های ثانویه و امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.

سناریوهای محتمل: روابط دو کشور طی سال‌های پیش‌رو در وضعیت تعیین‌کننده‌ای قرار گیرد و با انباشت پیش‌نیازهای تخاصم در دو کشور نامطلوب‌ترین سناریوها فراهم گردد. طیف

غالب در این گروه، شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران و حمله محدود به تاسیسات هسته‌ای و موشکی ایران، توسعه اقدامات تنش‌زای گروه‌های تندرو در ایران و توسعه نفوذ نهادهای نظامی در تصمیم‌سازی سیاست خارجی است.



منابع

الف- فارسی

- اخوان زنجانی، داریوش و دیگران، (۱۳۷۷)، «بررسی تحولات تاریخ روابط ایران و امریکا (گفتگوی مشترک جمعی از اساتید علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تاریخ معاصر)»، فصلنامه روش‌شناسی تاریخ شفاهی یاد، شماره ۵۱ و ۵۲.
- اعجازی، احسان؛ قربانی، ارسلان؛ سیمبر، رضا؛ جانسیز، احمد، (۱۳۹۷)، «نقش‌کنگره ایالات متحده در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۵)»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۳.
- امجد، محمد، (۱۳۹۴)، سیاست و حکومت در ایالات متحده، چاپ دهم، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۸۲.
- بل، وندل (۱۳۹۲)، مبانی آینده پژوهی تاریخچه، اهداف و دانش علوم انسانی برای عصر جدید، مصطفی تقوی و محسن محقق، جلد اول، تهران: نشر موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- جعفری موحد، حسین، (۱۳۹۴)، «رابطه ایران با ایالات متحده امریکا، امکان یا امتناع؟»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳.
- جمشیدی، محمدحسین؛ محسنی، سجاد، (۱۳۹۸)، «تحول در ساختار قدرت جهانی و تاثیر آن بر روابط ایالات متحده و عربستان سعودی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۹.
- چیت‌سازیان، محمدرضا؛ شفيعی، نوذر، (۱۳۹۴)، «چشم‌انداز روابط ایران و امریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره ۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خسروی، علیرضا؛ افراسیابی، شایان، (۱۳۹۷)، «رخدادها و سنجش تغییر باورهای

- رهبران (مطالعه موردی: باراک اوباما و انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران)، فصلنامه سیاست، شماره ۴۷.
- دامن پاک جامی، مرتضی، (۱۳۹۷)، «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش رو»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۴.
- درویشی سه‌تلانی، رضا؛ همتی شاه‌بداغی، زهره، (۱۳۹۵)، «چشم‌انداز راهبرد امریکا در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۴)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل، جلد اول، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رستمی، فرزاد؛ غلامی حسن‌آبادی، مسلم، (۱۳۹۵)، «علل تداوم مناقشه ایران و امریکا پس از توافق هسته‌ای»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱۶.
- ساداتی‌نژاد، سید مهدی؛ ترکارانی، افشین، (۱۳۹۳)، «بررسی مناقشه انقلاب اسلامی ایران و امریکا در مباحث حقوق بشر براساس رهیافت رئالیسم و سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۱.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۱.
- سلیمانی، غلامعلی؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۳)، «ابعاد معنایی و نهادی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۶.
- شاپوری، مهدی، (۱۳۹۵)، «توافق هسته‌ای؛ برآوردی متن‌محور»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۲.
- شکوری، ابوالفضل؛ وزیریان، امیرحسین، (۱۳۹۸)، «احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۵)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۸.
- طالبی‌پور، سعید؛ فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله، (۱۳۹۵)، «تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی امریکا در ۲۰۲۵»، فصلنامه رهیافت‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۵.

- طالعی حور، رهبر؛ امیدی، علی؛ بصیری، محمدعلی، (۱۳۹۵)، «عوامل هویتی تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۵.
- عزیزاده، علی اکبر، (۱۳۸۸)، «ریشه‌های منازعه بین ایران و امریکا»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۲۲-۲۱.
- عنادی، مراد، (۱۳۸۵)، «حزب دموکرات امریکا و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۲.
- فلسفی، هدایت‌اله، (۱۳۷۵)، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷.
- قبادی، مرضیه، قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه میان تروریسم و حق حیات در پرتو رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۶.
- قنبری، لقمان، (۱۳۹۶)، «دیپلماسی انرژی و توسعه اقتصادی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۴.
- گلن، جروم سی؛ گوردون، تئودور جی، (۱۳۹۳)، دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی، جلد اول، ترجمه مرضیه کیقبادی و فرخنده ملکی فر، تهران: نشر تیسرا.
- --- (۱۳۷۸)، «گروه‌های فشار از زاویه نزدیک»، ماهنامه آزما، شماره ۴.
- محمدی لرد، عبدالمحمود، (۱۳۹۵)، آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرشایمر، جان؛ والت، استفان، (۱۳۹۴)، لابی صهیونیستی و سیاست خارجی امریکا، ترجمه فرج‌اله اردیزی، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- موسوی زاده، علیرضا، جاودانی مقدم، مهدی، (۱۳۸۷)، «نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۸.
- موسوی‌فر، رضیه، (۱۳۹۵)، «روابط ایران و امریکا، مسئله اسرائیل»، فصلنامه سیاست،

دوره ۴۶، شماره ۲.

- موسویان، سیدحسین، (۱۳۹۳)، *ایران و امریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی*، تهران: نشر تیسرا.
- مهدیان، حسین؛ حسینی، علی؛ آقای حسینی، علیرضا، (۱۳۹۶)، «تحلیل تاثیرگذاری عوامل ژئوپولیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا. ایران در پرونده هسته‌ای»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، شماره ۴۶.
- نیاکویی، سید امیر؛ قنادی، علی، (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام: تداوم موازنه‌سازی و هویت‌یابی انقلابی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۲۱۵.

ب- انگلیسی

- Asan, S.S & U. Asan, (2007), "Qualitative Cross-impact Analysis with Time Consideration", *Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 74.
- Helmer, O, (1983), *Looking Forward: A Guide to Futures Research*, Sage Publications, Inc.
- Robinson, J.B, (1982), "Energy Back Casting: A Proposed Method of Policy Analysis", *Energy Policy*, Vol. 10.
- Godet, M, (1994), *From Anticipation to Action: A Handbook of Strategic Prospective*, UNESCO Publishing, Paris.
- Jesse, Eric, (2011), "Forecasting the Future of Iran Implications for U.S. Strategy and Policy", Pardee Rand Graduate School, [http:// WWW.Rang.org/ content/ dam/ rand-pubs/ rgs-dissertations/ 2011/ RAND-ROSP290.pdf](http://WWW.Rang.org/content/dam/rand-pubs/rgs-dissertations/2011/RAND-ROSP290.pdf).
- Muzalevsky, Roman, (2015), "From Frozen Ties to Strategic Engagement: U.S. Iranian Relationship in 2030", U.S.: Army War College Carlisle Barracks Strategic Studies Institute. http://www.StrategicstudiesInstitute.Army.mil/_pdffiles/PVB 1265.Pdf.

پیوست شماره یک: شرح نمادهای جدول (۲) رتبه بندی اثر- وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بر حسب احتمال جابجایی متغیرها

ردیف	نماد	تعریف توصیف‌گرها
۱	N1	نقش و جایگاه اسرائیل
۲	D6	نقش نهادهای نظامی ایران
۳	D1	نقش دولت امریکا
۴	D7	نقش نهادهای سیاسی ایران
۵	O4	نقش گروه‌های فشار و تندرو ایران
۶	A1	جایگاه جمهوری اسلامی در آینده نظام بین‌الملل
۷	N2	نقش و جایگاه فلسطین
۸	P4	نقش وجود حسن نیت در گفتار و عمل رهبران دو کشور
۹	D3	نقش نهادهای سیاسی امریکا
۱۰	F2	ویژگی‌های خاص شخصیتی مردم امریکا
۱۱	O2	نقش لابی‌ها
۱۲	G7	نقش امریکا در حمله عراق به ایران
۱۳	D2	نقش نهادهای نظامی امریکا
۱۴	G12	نقش امریکا در تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت
۱۵	N3	نقش و جایگاه عربستان سعودی
۱۶	M2	نقش جایگاه ژنواستراتژیک ایران
۱۷	B4	نحوه برخورد کشورها با توافق برجام
۱۸	G6	نقش حمله نظامی محدود امریکا در ماجرای طیس
۱۹	G11	قانون تحریم ایران

پیوست شماره دو: شرح نمادهای جدول (۴) محتمل‌ترین سناریوهای ممکن در روابط ایران و امریکا در

۱۴۰۸

ردیف	نماد	تعریف توصیف‌گرها
۱	D6	نقش نهادهای نظامی ایران
۲	P5	نقش و جایگاه رهبر آینده ایران بر آینده روابط دو کشور
۳	C4	تأثیر جایگاه ایران در حل پرونده یمن بر روابط دو کشور
۴	T1	نوع تعریف دو کشور از تروریسم
۵	I7	تحول در رویکرد ارزش‌گرای ایران
۶	D7	نقش نهادهای سیاسی ایران
۷	P2	نقش اراده سیاسی رهبران دو کشور
۸	E5	نقش نیاز ایران به عادی‌سازی مبادلات پولی و مالی با نظام بین‌الملل
۹	P1	نقش ویژگی‌های فردی رهبران دو کشور
۱۰	E4	نقش نیاز ایران به جذب سرمایه‌گذاری خارجی
۱۱	F6	نقش روابط مردم با مردم در آینده روابط دو کشور
۱۲	D1	نقش دولت امریکا
۱۳	O4	نقش گروه‌های فشار و تندرو ایران
۱۴	A2	جایگاه جمهوری اسلامی در آینده ائتلاف‌های منطقه‌ای
۱۵	N2	نقش و جایگاه فلسطین
۱۶	B6	تحول در نحوه برخورد با برنامه‌های موشکی ایران
۱۷	O3	نقش لابی ایپک
۱۸	D3	نقش نهادهای سیاسی امریکا
۱۹	H2	جایگاه حقوق بشر نسبت به حاکمیت و قوانین داخلی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی